

تحلیل ژئوپلیتیک جایگاه منافع ملی در سیاست خارجی اسلام‌گرایانه کشور ترکیه با رویکرد برساخت‌گرایی

افشین متقی^۱، مصطفی رشیدی^۲ و محمدصادق یحیی‌پور^۳

چکیده

کشور ترکیه در طول دو دهه اخیر شاهد رشد اسلام‌گرایی به شیوه‌ای خاص یا مدلی مشهور به الگوی اسلامی-ترکی بوده است. ترکیه رفته‌رفته از جو غرب‌گرایی و سکولاریزم حاکم بر سیاست خارجی خود فاصله گرفت و در مقابل به سمت کشورهای اسلامی و توجه به اسلام سیاسی حرکت کرد. در این میان آنچه اهمیت دارد جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ترکیه در راستای برخی تحولات در حوزه ژئوپلیتیکی بازیگری این کشور است. تحولات بازار انرژی نفت و گاز، فروپاشی شوروی و آزادسازی قلمروهای ژئوپلیتیکی جدید، مسائل امنیتی در همجواری ترکیه و نیاز ژئوپلیتیکی ترکیه به کشورهای اسلامی و غیره همگی با رویکرد اسلام‌گرایانه در سیاست خارجی ترکیه همزمان شده است. از اینرو، نگارندگان با بهره‌گیری از نظریه برساخت‌گرایی درصدد پاسخگویی به این سؤال اساسی هستند که: از منظر ژئوپلیتیکی و سازه‌نگارانه، در جریان اسلام‌گرایی در سیاست خارجی کشور ترکیه، منافع ملی این کشور از چه نقش و جایگاهی برخوردارند؟ شایان ذکر است که این مقاله به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی تدوین شده است.

کلیدواژگان: ژئوپلیتیک، برساخت‌گرایی، اسلام‌گرایی، منافع ملی، ترکیه.

۱. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

۳. رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد صومعه‌سرا و دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و تشکیل دولت ترکیه، سیاستمداران این کشور به رهبری مصطفی کمال آتاتورک راه توسعه و پیشرفت ترکیه را در گرایش به ارزش‌های غربی و نزدیکی به کشورهای غربی از جمله کشورهای اروپایی می‌دانستند. در این دوره، نوعی هم‌خوانی بین منافع ملی ترکیه با گرایش به غرب وجود داشت. آرزوی پیوستن به اتحادیه اروپا و اروپایی کردن ترکیه و اشاعه سکولاریزم و اسلام‌زدایی به هنجارهای اصلی در جامعه و دولت تبدیل شده بودند.

پس از رشد اسلام‌گرایی در منطقه خاورمیانه و ظهور انقلاب اسلامی ایران و افزایش فعالیت احزاب و جنبش‌های اسلامی در حوزه بازیگری ترکیه، این کشور با واقعیت‌های جدیدی در عرصه ژئوپلیتیک منطقه‌ای مواجه گشت. بازیگران عرصه سیاست خارجی ترکیه در این وضعیت جدید ژئوپلیتیکی به این نتیجه رسیدند که تأکید بر ایدئولوژی لائیسیتیه و غرب‌گرایی و نگاه تک‌بُعدی به غرب باعث ایجاد چالش بر سر راه اهداف سیاست خارجی این کشور شده است. آن‌ها هر چه بیشتر بر غرب‌گرایی و لائسیزم تأکید می‌نمودند و از جبهه اسلامی فاصله می‌گرفتند در پیگیری منافع خود ناموفق‌تر بودند.

با توجه به این واقعیت‌ها و رخداد‌های ژئوپلیتیکی در عرصه بازیگری کشور ترکیه، این کشور هم‌زمان با اوج‌گیری جریان‌ات اسلام‌گرایی به سوی جبهه اسلامی تمایل نشان داد، به گونه‌ای که در سال‌های ۱۹۹۵، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱، احزاب اسلام‌گرای ترکیه در انتخابات پارلمانی ترکیه به پیروزی رسیدند. از این دوره به بعد اتخاذ مواضع اسلامی‌تر و گاهاً به طور واضح در تقابل با غرب بیانگر گرایش بیشتر ترک‌ها در دو دوره اخیر به سوی اسلام سیاسی شده است. هماهنگی این گرایش ترکیه به اسلام سیاسی با اقتضاعات ژئوپلیتیکی حوزه بازیگری آن، بیانگر اهمیت منافع ملی در دیدگاه بازیگران ترک است. این واقعیت به قدری اهمیت دارد که ترکیه را در سطح جهانی به عنوان کشوری که واضحاً بیش از هر کشوری بر منافع ملی تأکید می‌ورزد شناسانده است. بدین صورت، نگارندگان این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی هستند که: از منظر ژئوپلیتیکی و سازه‌نگارانه، در جریان اسلام‌گرایی در سیاست خارجی کشور ترکیه، منافع ملی این کشور از چه نقش و جایگاهی برخوردارند؟ شایان ذکر است که این مقاله به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی تدوین شده است.

برساخت‌گرایی و رفتار کنشگران سیاسی

برساخت‌گرایی رویکردی است که ریشه در علوم اجتماعی دارد و نگاهی برساخت‌گرایانه به جهان اجتماعی دارد. بدین معنی که تمامی دانش و پدیده‌های انسانی را اموری برساخته می‌داند که این برساختگی نیز بگونه‌ای اجتماعی و در جریان کنش متقابل بین‌الذهنی است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۳۴). برساخت‌گرایی یا برسازنده‌گرایی یکی از نظریه‌های مهم در دهه اخیر در روابط بین‌الملل است که نه تنها از نظر فهم نوینی که به ما از روابط بین‌الملل در بُعد محتوایی آن می‌دهد اهمیت دارد، بلکه از این نظر که در عین حال تلاشی است در حوزه فرانظری، اهمیت ویژه‌ای دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۱۵). این نظریه برخلاف نظریه‌های اثبات‌گرایی بحث را از شناخت‌شناسی^۱ به هستی‌شناسی^۲ ارتقا می‌دهد. مباحث هستی‌شناسی به‌وضوح کانون اصلی توجه سازه‌انگاران را تشکیل می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۲۴). براین اساس، آنها از نظر هستی‌شناسی، واقعیت‌های اجتماعی را اموری ذهنی قلمداد می‌کنند که از مجموع قواعد، احکام، انگاره‌ها و ... تشکیل شده است که این مفاهیم در طول زمان و در یک فضای جغرافیایی خاص تکوین یافته‌اند و متأثر از فرایندهای مختلف بوده‌اند تا به فرم و ساخت فعلی درآمده‌اند (رشیدی، ۱۳۸۹: ۳). برساخت‌گرایی در مورد کنشگران معتقد به سرشت اجتماعی آنها است. به این معنا که این تعاملات، رویه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها، فرهنگ، ایدئولوژی، باورهای اصولی، و ایده‌های نهادینه هستند که به هویت آنها قوام می‌بخشند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۱۶). ساختارهای اجتماعی نیز نتیجه تعامل هستند. تعامل سبب می‌شود هویت‌های جمعی مختلف بازیگران متفاوت در جریان کنش متقابل و واکنش‌ها و پاسخ‌های مجدد دچار دگرگونی، تغییر و بازتولید شوند. کنشگر در جریان پیگیری منافع خود رفته‌رفته ناگزیر است در نظام هویتی خود تجدیدنظری را قائل شود تا در فضای جدید بهتر بتواند عایق و منافعش را بدست آورد. انسان در چارچوب هستی از پیش موجود، ظاهر می‌شود و در فرایند جامعه‌پذیری، الگوها و شیوه‌های اندیشیدن و زبان آن را درونی می‌کند و در معانی جمعی مشارکت می‌کند و صاحب افق خاصی می‌شود. او در این افق، به تفسیر و فهم واقعیت می‌پردازد و در جریان این کنش فعالانه، آن را برای خود تعریف کرده، معنادار و در نهایت

1 . Epistemology

2 . Ontology

می‌سازد. افراد یک جامعه نیز در چارچوب ذهنیت مشترک جمعی خود، واقعیت اطراف (جهان هستی، دیگر جوامع و غیره) را تعریف و دسته‌بندی می‌کنند و به معنای دیگری می‌سازند و در قالب معناهای ساخته شده به هر جزء با آن به کنش متقابل می‌پردازند (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۲). آری در جریان تعاملات است که کنشگر به فراگیری معانی و رویه‌مندی‌ها، قواعد و هنجارها و هویت‌یابی اقدام می‌کند و سپس این عامل در ادامه مسبب کنش‌های بعدی او در جریان تعاملات آتی است. در مسیر این تعامل است که یکی دیگر از گزاره‌های هستی‌شناسی برساخت‌گرایان، یعنی مسئله ساختار-کارگزار مطرح می‌شود. برساخت‌گرایان بر این تأکید دارند که چگونه هنجاری یا اندیشه‌ای "معنای هویت تک تک کنشگران و الگوهای فعالیت مناسب اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را که کنشگران یاد شده در پیش می‌گیرند تعریف می‌کنند" (Boli and Others, 1989: 12). برای سازه‌نگاران ساختار و کارگزار به شکلی متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند. ساختارها به عنوان پدیده‌هایی نسبتاً پایدار با تعامل متقابل است که خلق می‌شوند و براساس آنها کنشگران هویت‌ها و منافع خود را تعریف می‌کنند. ساختار جدا از فرایند یعنی جدا از رویه‌های کنشگران وجود ندارد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۳۰).

تبیین ژئوپلیتیکی رفتار کنشگران در عرصه سیاست خارجی

جغرافیا بعنوان علمی که به بررسی متقابل انسان و طبیعت می‌پردازد، سه سطح: انسان، طبیعت و تعامل را در بر می‌گیرد. بنابراین هم به انسان و نیروهای اجتماعی و هم محیط طبیعی، امکانات و منابع، فرصت‌ها و محدودیت‌های ناشی از آن می‌پردازد (رشیدی، ۱۳۸۹: ۲). بنابراین هم ساختار مادی و محیطی، و هم ساختار اجتماعی را که به همراه یکدیگر هویت‌ها را قوام می‌دهند در جغرافیا طرح می‌شوند. در علم جغرافیا تعامل، حلقه پیوند انسان و محیط است چرا که بدون در نظر گرفتن تعامل عملاً فرم‌ها و ساختارهای جغرافیایی که مشروط به تعامل انسان و محیط است شکل نمی‌گیرد. خود انسان و محیط طبیعی و تعامل بین آنها در فضای خاص جغرافیایی واقع شده‌اند که سبب شخصی‌سازی تعامل بین انسان و محیط در یک فضای ویژه می‌شود به نحوی که هویت‌های اجتماعی برآمده از هر فضای جغرافیایی با دیگر فضاهای

جغرافیایی متفاوت است. این مثال را در بهترین شکل می‌توان در مورد تفاوت هویتی بین کنشگران سیاسی در عرصه سیاست خارجی در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار داد، چرا که فضاهای جغرافیایی ملی هر کشور ساختار اجتماعی و نظام هویتی خاص آن کشور را قوام می‌دهد. بنابراین دولت‌ها در عرصه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی دامنه فضایی جغرافیای ملی خود هستند (رشیدی، ۱۳۹۰: ۱۲۳). بنابراین، فضاهای جغرافیایی به واسطه فراهم آوردن بسترهای تعامل متفاوت با یکدیگر زمینه را برای برساختگی هویت‌های مختلف رقم می‌زنند که سبب می‌شود کنشگران منافع متناسب با نظام هویتی خاص و منتج از فضای جغرافیایی خود پی‌گیری کنند. از این رو، فضاهای جغرافیایی به قول میشل فوکو غیرقابل فروکاست به همدیگر هستند (سوجا، ۱۳۸۷: ۱۷۶) که هویت‌ها و ساختارهای اجتماعی متفاوت را شکل می‌دهند و منفعت‌جویی کنشگران عرصه سیاست خارجی را متفاوت با یکدیگر قوام می‌دهند که سبب رقابت، دوستی یا دشمنی به تناسب اشتراک یا تضاد در فضاهای جغرافیایی و در نتیجه منافع متعاقب آن بین آنها می‌شود. در انتها باید گفت سیاست خارجی‌های متفاوت نیز که براساس جغرافیای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی متفاوت است، مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارهایی است که ریشه مکانی و فضایی متفاوت دارند و مجموعاً کردارهای ژئوپلیتیکی قلمداد می‌شوند. کردار به رفتارها و گفتارهای کلامی اطلاق می‌شود که با توجه به ریشه‌دار بودن آنها در فضاهای جغرافیایی و دامنه فضایی آنها تحت‌عنوان کردارهای ژئوپلیتیکی آورده می‌شوند (رشیدی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). دولت‌ها بعنوان واحدهای سرزمینی و یا حکومت‌های سرزمینی (مجتهدزاده و حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۷)، در عرصه سیاست خارجی و روابط متقابل با دیگر کشورها با تکیه بر هویت‌های فضای جغرافیای ملی خود و نیز هویت‌های فضایی که در صحنه بازیگری در فضاهای منطقه‌ای و جهانی کسب می‌کنند و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که ناشی از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی است، شکل رفتاری خود را تنظیم می‌کنند که بنابراین تفسیر رفتارهای بازیگران در سطح بین‌المللی و سیاست خارجی ریشه ژئوپلیتیکی دارد (رشیدی، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

جایگاه منافع ملی در سیاست خارجی

بنابه آنچه گفته شد و همانگونه که کابالکوا می‌گوید سازه‌انگاران، جهان و از جمله جهان

بین‌المللی را یک «پروژه برساختن بی‌پایان» می‌دانند که برساختن آن در زمینه‌ای از ادراکات و تلقی‌های زمینه‌مند فراهم می‌آید (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۴). این ادراکات در حال تغییر در هر برهه زمانی و در فضای جغرافیایی، فرم‌هایی از تصورات و انگاره‌ها را به دست می‌دهند که بر سازنده هویت افراد و گروه‌هاست. بدین‌وسیله موجود خودآگاه به تاریخ، حافظه مشترک جمعی، جایگاه سرزمینی، فرهنگ و غیره اشاره می‌کند و خود را از دیگرانی که صاحب این خصلت‌ها نیستند متمایز می‌کند (افضلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶-۵). این هویت خود در ادامه بر سازنده کنش‌ها و منافع‌اند (پرایس و اسمیت، ۱۳۸۶: ۵۱۹). از نگاه ونت، کنشگران، هویت‌ها (یعنی درک‌ها و انتظارات نسبتاً ثابت درباره خود که با نقش مشخص می‌شوند) را با سهم شدن در معناهای جمعی کسب می‌کنند. هویت‌ها ذاتاً رابطه‌ای هستند؛ پیتز برگر استدلال می‌کند که «هویت، همراه با پیوست‌های مناسبی که از واقعیت روانشناختی به همراه دارد، همواره در چارچوب یک جهان خاص است که به گونه‌ای اجتماعی ساخته شده». هر شخصی هویت‌های متعدد دارد که با نقش‌های نهادی او مانند برادر، پسر، معلم و شهروند بودن پیوند می‌یابد. همین‌طور احتمال دارد یک دولت هویت‌های چندگانه مانند «برخورداری از حاکمیت»، «رهبر جهان آزاد بودن»، «قدرت امپراتوری بودن» و جز آن را داشته باشد. پای‌بندی به هویت‌های خاص و برجستگی آن‌ها متفاوت است اما هر هویتی یک تعریف ذاتاً اجتماعی از کنشگر است که زمینه آن در نظریه‌هایی است که کنشگران به‌طور جمعی درباره خود و دیگران دارند و به ساختار جهان اجتماعی شکل می‌دهند. ونت در ادامه اشاره می‌کند که هویت‌ها شالوده منافع هستند. کنشگران منافع خودشان را در فرآیند تعریف وضعیت پیدا می‌کنند (Wendt, 1992: 397-398). به عبارت دیگر کنشگران دارای هویت، براساس مجموعه تصوراتی که از خود و دیگری و فضای کنشگری دارند، دست به کنش می‌زنند و در جهت کسب منافع هستند که ریشه در همین انگاره‌ها و هویت‌ها دارد (Pishgahifard and Others, 2010: 460). این هویت‌ها خود زاده نظام نهادینه شده ساختارهای اندیشه‌ای هستند که در کنار ساختارهای مادی اهمیت دارند و این از آن‌روست که نظام‌های معنایی تعیین‌کننده چگونگی تفسیر کنشگران از محیط خودشان هستند (پرایس و اسمیت، ۱۳۸۶: ۵۱۹). اهمیت این نظام‌های معنایی به‌حدی است که یک کنشگر حتی قادر به عمل به‌صورت هویت خودش نخواهد بود مگر زمانی که به‌قول کارل دویچ جامعه معنایی مربوطه، مشروعیت آن کنش توسط آن کنشگر را در آن بافت اجتماعی به رسمیت

شناخته باشد. قدرت عمل، قدرت تولید معنایی بین‌ذهنی در دل یک ساختار اجتماعی است. رویه‌های اجتماعی به همان میزان که روا می‌دارند، انتظام می‌بخشند و قدرت بازتولید کل همبودها (تقارن پدیده‌هایی که همزمان هست می‌یابند) از جمله همبود بین‌المللی و نیز بسیاری همبودهای هویتی را که در آن یافت می‌شوند، دارند (Ashley, 1987: 409).

منافع ملی و نیاز متقابل ژئوپلیتیکی

امروزه هیچ کشوری را نمی‌توان یافت که از لحاظ نیازهای مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و حتی هویتی بی‌نیاز از دیگر کشورهای جهان باشد. کشورهای همسایه در سطح مرزی (ترکیه-ایران، ترکیه-عراق ...) و یا منطقه‌ای (ترکیه و اسرائیل، ترکیه و ارمنستان و ...)، بیشترین نیازمندی را به یکدیگر دارند. این کشورها در بسیاری از مسائل و مشکلات یا فرصت‌ها با یکدیگر مشترک‌اند. مثلاً مسئله کردها مشکل مشترک کشورهای همسایه (مرزی و منطقه‌ای) ترکیه، ایران، سوریه و عراق است. همچنین بهره‌مندی از انرژی حوزه خزر فرصت مشترک کشورهای ایران، آذربایجان، ترکمنستان و سایر کشورهای حوزه این دریاچه است و نیز مسئله جهان اسلام موضوع مهمی در تصمیمات سیاست داخلی و خارجی کشورهای حوزه ژئوپلیتیکی جهان اسلام، به‌ویژه خاورمیانه است. کشورهای همسایه مرزی و منطقه‌ای بیشترین معادلات اقتصادی و ... را با هم دارند و اکثر نیازهای خود را باتوجه به اصل صرفه‌جویی ناشی از فاصله از کشورهای نزدیک و همسایه تأمین می‌کنند. از این‌رو، این کشورها در روابط خود با همسایگان مرزی و منطقه‌ای خود نقش مکمل یکدیگر را بازی می‌کنند و عوامل ژئوپلیتیکی سبب می‌شود که این کشورها نیاز متقابلی به یکدیگر داشته باشند؛ در نتیجه کشورهای مذکور می‌توانند در تعامل با یکدیگر، این واقعیت‌های ژئوپلیتیکی را مدنظر قرار دهند و ملاحظات خاصی را در روابط خود داشته باشند. این بحث هم‌تکمیلی ژئوپلیتیکی بین واحدهای ژئوپلیتیکی (کشورها) سبب قوام‌بخشی به سازه‌های خاص ژئوپلیتیکی می‌شود که به نوبه خود مؤلفه‌های همگراساز منطقه‌ای را افزایش می‌دهد. نیاز متقابل ژئوپلیتیکی کشورهای همسایه سبب نزدیکی بیشتر آن‌ها به یکدیگر و شکل‌گیری هویت‌ها و منافع نزدیک‌تر بین آن‌ها شده، که رفتار بازیگران سیاسی این کشورها را تحت شعاع خود قرار می‌دهند.

در مجموع نیاز متقابل ژئوپلیتیکی را می‌توان یکی از مباحث مهم در برساخت‌گرایی قلمداد کرد که می‌تواند از حوزه ژئوپلیتیک وارد این نظریه شود و باعث پرباری نظریه حاضر گردد. نیاز متقابل ژئوپلیتیکی می‌تواند دلیل بسیاری از رفتارهای بازیگران عرصه بین‌الملل و سیاست خارجی باشد. بازیگران براساس هویت‌های مختلف به کنش‌های متفاوتی دست می‌زنند ولی منافع آنها سبب پیوند کنشگران به یکدیگر می‌شود. نیازهای متقابل ژئوپلیتیکی بیانگر منافع در هم تنیده بازیگران عرصه ژئوپلیتیک بین‌الملل براساس واقعیت‌های ژئوپلیتیکی است.

منافع ملی و نیاز ژئوپلیتیکی ترکیه به غرب

اتحادیه اروپا

از زمان تأسیس جمهوری ترکیه، نزدیکی به مجموعه غرب و بویژه اروپا، اولویت اصلی سیاست خارجی این کشور بوده است. برای آتاتورک و ترک‌های جوان، اروپا مظهر تمدن و پیشرفت و اروپایی شدن هدف نهایی تعریف شده بود. وضعیت جغرافیایی ترکیه به گونه‌ای است که می‌تواند بحران‌های خاورمیانه و قفقاز را سرریزاً به اروپا منتقل نماید؛ ترکیه به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک خود به تلاش‌های اتحادیه اروپایی در سیاست خارجی در خاورمیانه، مدیترانه و آسیای مرکزی و قفقاز ابعاد جدیدی می‌دهد. همچنین، توان نظامی ترکیه و قابلیت‌های این کشور برای ایجاد پایگاه نظامی، به نفع سیاست دفاعی و امنیتی اروپاست (قدیری، ۱۳۸۳: ۳۳). شرکت نکردن ترکیه در جنگ عراق این امیدواری را در میان فرانسه و آلمان ایجاد کرده که در صورت تکرار موارد مشابه می‌توانند از ترکیه برای تضعیف نسبی قدرت چانه‌زنی آمریکا استفاده کنند. در آینده، مشارکت ترکیه در مدیریت بحران، مقابله با جرایم سازمان یافته، مبارزه با مواد مخدر، حفاظت از مرزها، بهداشت عمومی، حفاظت از محیط زیست و تروریسم بین‌المللی اهمیت حیاتی خواهد داشت. این همکاری‌ها به نوبه خود سیستم‌های اطلاعاتی و نظامی ترکیه را متحول خواهد کرد (قهرمانپور، ۱۳۸۳: ۱۲). همچنین، ترکیه در برقراری صلح و ثبات منطقه‌ای، مسئله امنیت، تعادل و تبادل بین اسلام و غرب، ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای دو طرف ترکی و اروپایی می‌تواند مزایای زیادی را برای اتحادیه اروپا به همراه داشته باشد و همچنین، در این زمینه‌ها نیازهای خود را نیز مرتفع سازد و در مسیر توسعه همه‌جانبه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره خود گام بردارد

(حسینی، ۱۳۸۴: ۷ و نظریگی، ۱۳۸۴: ۵ و دورونسورو، ۱۳۸۶: ۱۰ و افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۳۷-۱۳۸ و Kalin, 2005: 5-6).

ایالات متحده آمریکا

علاوه بر اتحادیه اروپا، یکی دیگر از بازیگرانی که نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ترکیه دارد و بسیاری از اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه نسبت به آن مورد بررسی قرار می‌گیرد ایالات متحده آمریکا است. اصلی‌ترین منافع ترکیه در حفظ روابط استراتژیک با آمریکا را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: ۱. نیاز به حمایت‌های اقتصادی و مالی آمریکا، به خصوص در نهادهای مالی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که در حل بحران‌های مالی ترکیه نقش کلیدی ایفا کرده اند؛ ۲. حفظ جایگاه مناسب در ناتو و نظام امنیت دسته‌جمعی اروپایی؛ ۳. اعمال فشار به اتحادیه اروپا برای پذیرش عضویت ترکیه؛ ۴. استفاده از توان و دانش نظامی آمریکا برای نوسازی سیستم دفاعی ارتش با هدف حفظ برتری نظامی ترکیه نسبت به همسایگان خود (این کار قرار است طی ۱۸ سال آینده با بودجه‌ای معادل صد میلیارد دلار انجام شود) (Lenore, and Keridis, 2004: 345)؛ ۵. نیاز به حمایت آمریکا در حل بحران قبرس؛ ۶. حضور ترکیه در شکل‌دهی به آینده شمال عراق و مسأله کردها؛ ۷. ورود به نظام سرمایه‌داری و اقتصاد جهانی (قهرمان‌پور، ۱۳۸۵: ۴۸)؛ ۸. استفاده از اعتبار آمریکا برای کسب امتیازات اقتصادی منطقه مانند خط لوله انتقال نفت باکو-جیحان؛ ۹. احتیاج ترکیه به آمریکا در مقابل هژمونی روسیه در منطقه (به خصوص اوراسیا) (Lenore, and Keridis, 2004: 345)؛ ۱۰. مهار کشمکش‌های قومی کردها و نیز حمایت از مسلمانان بالکان که فقط با حمایت آمریکا میسر است (نصری، ۱۳۸۴: ۱۶۰)؛ ۱۱. بهره‌مندی از حمایت آمریکا در نفوذ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و قومی به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز (فلاح، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

اسرائیل

کشور ترکیه از همان ابتدای ظهور کشور اسرائیل و حتی قبل از آن و در دوران زمینه‌سازی برای تشکیل دولت یهودی-صهیونیستی در فلسطین روابط نزدیکی با این کشور داشته است. ترکیه

تنها هم پیمان منطقه‌ای اسرائیل در گذشته و حال است. البته این رابطه در برهه‌های زمانی مختلف شدت و ضعف داشته است. از جمله اهداف نزدیکی ترکیه به اسرائیل می‌توان از موارد زیر نام برد: ۱. دولتمردان ترک عدم پذیرش این کشور را در جامعه اروپا تحقیری برای مردم خود می‌دانند. لذا، در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند از طریق همسویی و همراهی با سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه، از نفوذ این دو کشور در اروپا به نفع خود استفاده کنند؛ ۲. ترکیه در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت گسترده‌ای را به منظور گسترش نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز در پیش گرفته است. اما، برای اجرای این برنامه‌ها با کمبود شدید منابع مالی مواجه است. بنابراین، انعقاد پیمان نظامی - اطلاعاتی، که در واقع امتیاز برای تل‌آویو محسوب می‌شود، می‌تواند حمایت اسرائیل و متعاقب آن کمک‌های مالی آمریکا را برای آن کشور در پی داشته باشد؛ ۳. ترکیه تلاش می‌کند در استراتژی خاورمیانه‌ای ایالات متحده «نقش دولت محوری» را ایفا کند، اما چون از لحاظ نژادی و ساختار حکومتی با کشورهای عرب منطقه سنخیتی ندارد، اسرائیل را طبیعی‌ترین هم‌پیمان خود می‌یابد تا به کمک آن و ناتو نقش «چکش تعادل» را در منطقه ایفا کند؛ ۴. گرایش حکومت ترکیه به رابطه با اسرائیل، کنترل اسلام‌گرایی در درون و حاشیه ترکیه را نیز به صورت ضمنی و گاه سریح در بردارد؛ ۵. ترکیه در داخل کشور در مقابله با اکراد استقلال طلب با مشکلات سیاسی - امنیتی شدیدی دست به گریبان است و نیاز به همراهی اسرائیل دارد. همانگونه که در مفاد پیمان با اسرائیل ۲۲ فوریه ۱۹۹۶ تصریح شده است، با آموزش نیروهای نظامی - امنیتی ترکیه توسط واحدهای اسرائیلی و تجهیز و سازماندهی آن‌ها از طریق دستیابی به بازار تسلیحات و تکنولوژی اسرائیل، آنکارا می‌تواند مهمترین هدف امنیت داخلی خود را از این پیمان تحقق یافته بداند (یکتا، ۱۳۷۵: ۴۷-۴۵)؛ ۶. گرایش به اسرائیل برای مقابله با خطر ایران هسته‌ای (لارابی، ۱۳۸۶: ۷۵ و ۷۴)؛ ۷. فروش آب آشامیدنی به اسرائیل؛ ۸. صدور کالاهای ساخت ترکیه به اسرائیل (Lenore, and Keridis, 2004: 184).

با توجه به نیاز ژئوپلیتیکی ترکیه به کشورهای غربی، این کشور از شروع جمهوری ترکیه گرایش به غرب را به عنوان یک سنت برای خود پذیرفته بود. تا قبل از اوج‌گیری جریان‌ات اسلام‌گرا و تغییر ژئوپلیتیکی منطقه بازیگری ترکیه، این کشور منافع خود را در نزدیکی به جهان غرب می‌دید و بنابراین غرب‌گرایی و گرایش به کشورهای غربی را به‌عنوان هویتی برای خود

پذیرفت تا در سایه آن بتواند به پیگیری منافع خود بپردازد. اما رفته‌رفته و با ظهور بیداری اسلامی شرایط تغییر نمود که در ذیل بدان اشاره خواهیم نمود.

بیداری اسلامی در فضای ژئوپلیتیکی بازیگری ترکیه

پدیده اسلام‌گرایی در طول قرن بیستم شروع به رشد قابل توجهی در کشورهای اسلامی نمود. رفته‌رفته این اندیشه در اثر تعاملاتی که بین گروه‌ها و نهضت‌های اسلامی در سراسر جهان اسلام صورت می‌گرفت تبدیل به آرمانی بزرگ گشت و این جنبش‌ها، نهضت‌ها و احزاب اسلامی و اندیشمندان اسلامی این پدیده را به عنوان هویت خود پذیرفتند و با پیشینه اسلامی که داشتند این انگاره را عامل شناسایی خود در جهان دانستند. بازگشت به هویتی اسلامی و سعی در اداره جامعه خود به شکلی اسلامی در طی یک قرن به یک نظام معنایی تبدیل شد و سازه‌ای مشترک در بین مسلمانان ایجاد کرد و مردم کشورهای اسلامی کم و بیش از این گروه‌ها حمایت می‌کردند. پدیده اسلام‌گرایی یا بیداری اسلامی به‌عنوان یک ایدئولوژی که خوانشی اعتراضی از اسلام علیه ظلم و فساد داشت تبدیل به یک ساختار معنایی منسجم شد که با توجه به زمینه‌های مشترک مسلمانان جهان و پتانسیل پذیرش این ایده در بین آنها شروع به انتشار نمود.

ترکیه کشوری اسلامی است که در محل پیوند سه قاره آسیا، اروپا و تا حدودی آفریقا قرار گرفته و از این‌رو، متأثر از جریانات این سه قاره است. ترکیه از سه جهت شرق، جنوب و تا حدودی غرب با جهان اسلام همسایه است و در معرض رخدادهای جهان اسلام نیز قرار دارد. بنابراین، انتشار پدیده اسلام‌گرایی نیز با توجه به شکلی که در سراسر جهان اسلام پیدا کرده است و نیز زمینه‌های داخلی جامعه ترکیه که دارای جغرافیای اجتماعی - فرهنگی آمیخته به اندیشه‌های اسلامی است، کشور و جامعه ترکیه را در نیمه دوم قرن بیستم و به‌ویژه در دهه آخر این قرن تحت تأثیر قرار داد و رفته‌رفته این رویه در حال اوج‌گیری است.

مرکز انتشار و پخش پدیده اسلام‌گرایی از سه مرکز مصر در گوشه شمال شرقی آفریقا، ایران در بخش شمال شرقی خاورمیانه و عربستان سعودی در جنوب خاورمیانه است. هر کدام از این مراکز با انتشار یک نوع از اسلام‌گرایی بر حوزه پخش خود اثر گذاشته‌اند. ترکیه نیز به‌عنوان کشوری که در حوزه انتشار این سه مرکز بوده به نحوی متأثر از سه مرکز بوده است. با توجه به

این مسئله در این بخش نگارنده برای ترسیم روند زمانی و مکانی جنبش‌های ناشی از بیداری اسلامی به معرفی این جنبش‌ها و دیدگاه‌های آن‌ها براساس محل‌های فعالیت آن‌ها می‌پردازد. در این راستا این حرکات بیداری اسلامی در قالب سه جریان مطرح خواهند شد:

۱. نهضت اخوان‌المسلمین و دانشگاه الازهر و اثرگذاری آنها (مرکز پخش جغرافیایی اندیشه‌ها: مصر)؛

۲. انقلاب اسلامی ایران (مرکز انتشار و پخش جغرافیایی: ایران) و جنبش‌های برآمده از آن؛

۳. سلفی‌ها، وهابیت و القاعده (مرکز انتشار و پخش جغرافیایی: عربستان سعودی) و اعقاب آن به‌عنوان گروه‌های تندرو و بعضاً انحرافی.

منافع ملی و نیاز ژئوپلیتیکی ترکیه به جهان اسلام

برای توضیح نیازهای ژئوپلیتیکی ترکیه به جهان اسلام لازم است به چند مسأله مهم در این زمینه اشاره شود. یکی از این مباحث، مبحث انرژی و نیاز شدید ترکیه به مناطق انرژی جهان اسلام است. کشور ترکیه، کشوری در حال توسعه است که با روی کار آمدن اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه و رونق اقتصادی و ارتقای زیربنای اقتصادی برای جوابگویی به ظرفیت‌های پیدا شده جدید اقتصادی نیاز به مصرف انرژی بیشتری از قبیل نفت و گاز است. این عامل در جمع با تلاش ترکیه برای استقلال انرژی به روسیه بهتر قابل تعریف است. تا سال ۲۰۰۴ حدود ۹۰ درصد انرژی ترکیه را روسیه تأمین می‌کرد (Lenore, and Keridis, 2004: 216) و ترکیه به شدت در راستای امنیت تأمین انرژی در فکر بازارهای جدید انرژی است که خاورمیانه و آسیای مرکزی (یزدانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۵۰)، و حوزه خزر بهترین و مقرون به صرفه‌ترین بازارهای تأمین انرژی برای ترکیه هستند.

کشور ترکیه در منطقه خاورمیانه منافع زیادی در رابطه با انرژی دارد. این منطقه بزرگترین منطقه انرژی جهان است و بیشترین ذخایر نفتی و درصد بالایی از ذخایر گاز در این منطقه متمرکز شده است.

جدول ۱: میزان ذخایر، تولید و مصرف نفت در کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه در مقطع زمانی ۱۹۹۶ و ۲۰۰۹

کشور	سال					
	۱۹۹۶		۲۰۰۹		سال	
	مصرف هزار بشکه در روز	تولید هزار بشکه در روز	مصرف هزار بشکه در روز	تولید هزار بشکه در روز	مصرف	تولید
کشور	مصرف هزار بشکه در روز	تولید هزار بشکه در روز	مصرف هزار بشکه در روز	تولید هزار بشکه در روز	درصد از کل	درصد از کل
ایران	۱۲۹۲	۳۷۵۹	۱۲۹۲	۴۲۱۶	۱۰/۳	۵/۴
عراق	-	۵۸۰	-	۲۴۸۲	۸/۶	۳/۲
کویت	۱۲۶	۲۱۲۹	۱۲۶	۲۴۸۱	۱۰/۱/۵	۳/۲
قطر	۳۸	۵۶۸	۳۸	۱۳۴۵	۲۶/۸	۱/۳
عمان	-	۸۹۷	-	۸۱۰	۵/۶	۱
عربستان	۱۳۳۶	۹۲۹۹	۱۳۳۶	۹۷۱۳	۲۶/۴/۳	۱۲
امارات	۳۴۷	۲۲۳۸	۳۴۷	۲۵۹۹	۹۷/۸	۳/۲
کل خلیج فارس و خاورمیانه	۳۱۳۸	۱۹۶۶۹	۳۱۳۸	۲۴۳۵۷	۷۵/۴/۲	۳۰/۳
کل جهان	۱۸۹۵۹	۶۹۹۳۱	۱۸۹۵۹	۷۹۹۴۸	۱۳۳۳۱/۱	۱۰۰

مأخذ: BP Statistical Review of World Energy, 2009) و اخباری و دیگران، ۱۳۹۰: (۹۶).

جدول ۲: میزان ذخایر اثبات شده گاز منطقه خلیج فارس و خاورمیانه

کشور	سال					
	۱۹۹۶		۲۰۰۹		سال	
	مصرف (میلیارد متر مکعب)	تولید (میلیارد متر مکعب)	مصرف (میلیارد متر مکعب)	تولید (میلیارد متر مکعب)	مصرف	تولید
کشور	مصرف (میلیارد متر مکعب)	تولید (میلیارد متر مکعب)	مصرف (میلیارد متر مکعب)	تولید (میلیارد متر مکعب)	درصد از کل	درصد از کل
ایران	۳۸/۹	۳۹	۳۸/۹	۱۳۱/۲	۱۵/۸	۴/۴
عراق	-	-	-	-	۱/۷	-
کویت	۹/۳	۹/۳	۹/۳	۱۲/۵	۱/۷/۸	۰/۴
قطر	۱۳/۷	۱۳/۷	۱۳/۷	۸۹/۳	۱۳/۵	۳
عمان	-	۴/۴	-	۲۴/۸	۰/۵	۰/۸
عربستان	۴۴/۴	۴۴/۴	۴۴/۴	۷۷/۵	۴/۲	۲/۶
امارات	۲۷/۲	۳۳/۸	۲۷/۲	۴۸/۸	۳/۴	۱/۶
کل خلیج فارس و خاورمیانه	۱۳۳/۴	۱۵۲	۱۳۳/۴	۴۰۷/۲	۴۰/۶	۱۳/۶
کل جهان	۲۲۴۷/۸	۲۲۲۷/۹	۲۲۴۷/۸	۲۹۸۷	۱۸۷/۴۹	۱۰۰/۰

مأخذ: BP Statistical Review of World Energy, 2009) و اخباری و دیگران، ۱۳۹۰: (۹۷).

منطقه آسیای مرکزی و حوزه خزر نیز یکی از مناطق بزرگ انرژی جهان است که حجم عظیمی از گاز طبیعی و نفت را دار است.

جدول ۳: مجموع ذخائر اثبات شده نفت کشورهای حوزه خزر و ذخائر اثبات شده نفت دریای خزر

کشور	مجموع ذخائر اثبات شده کشور		پیش‌بینی برای منطقه خزر
	عمیق	کم عمق	
آذربایجان	۹۵۹	۹۵۹	۹۵۹
ایران	۱۸/۶۶۷	۱۴	۱۴
قزاقستان	۴/۱۱۰	۱/۲۳۲	۴/۱۱۰ ÷ ۱/۲۳۲
روسیه	۸/۱۲۹	۴۱	۴۱
ترکمنستان	۸۲	۷۵	۸۲ ÷ ۷۵
ازبکستان	۸۱	۴۱	۸۱ ÷ ۴۱
مجموع	۳۲/۰۲۸	۲/۳۶۲	۵/۲۸۷ ÷ ۲/۳۶۲

(منبع: EIA, Caspian Sea region, Survey of Key Oil and Gas Statistics and Forecasts, July 2006)

(منبع: Oil and Gas Journal, World Proven Reserves of Oil, January 2007)

منابع گازی منطقه خزر از جمله منابع انرژی هستند که کشور ترکیه برنامه‌ریزی بسیاری برای بهره‌مندی از این ذخایر انجام داده است.

جدول ۴: پتانسیل گاز تولیدکنندگان منطقه خزر (میلیارد مترمکعب)

شرح	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان	ازبکستان	مجموع
میزان استخراج	۴۲۶	۲۶۵	۲۰۲۳	۱۶۹۴	۴۴۰۸
ذخائر	۱۳۷۰	۳۰۰۰	۴۰۰۰	۱۶۲۰	۹۹۹۰
منابع	۱۹۰۰	۲۵۰۰	۶۰۰۰	۱۵۰۰	۱۱۹۰۰
پتانسیل کلی	۳۶۹۶	۵۷۶۵	۱۲۰۲۳	۴۸۱۴	۲۶۲۹۸
میزان استهلاك (مصرف تاکنون) (%)	۱۲	۵	۱۷	۳۵	۱۷

(منبع: BGR, Reserven, P.27)

خطوط لوله انتقال انرژی نیز از مسائل مهم در توجه ترکیه به کشورهای اسلامی است. کشورهای خاورمیانه، آسیای مرکزی و حوزه خزر برای انتقال انرژی به اتحادیه اروپا و کشورهای غربی دیگر به مسیر ترکیه علاقه‌مندند. ترکیه بواسطه قرارگیری در مسیر شرق به غرب دارای مزیتی بزرگ در بحث انتقال انرژی است. این امر سبب همگرایی ترکیه با کشورهای اسلامی جهت دستیابی به توافقاتی برای انجام پروژه‌های بزرگ انتقال انرژی شده است.

علاوه بر مبحث انرژی، مباحث دیگری در نیازمندی ترکیه به کشورهای جهان اسلام مطرح است. از جمله این نیازها می‌توان به مباحث تجاری - اقتصادی، امنیتی و سیاسی اشاره کرد. انعکاس تلاش‌های ترکیه برای فعال‌شدن هرچه بیشتر در خاورمیانه را باید در تلاش‌های این کشور در تقویت روابط با ایران و سوریه دید. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ روابط آنکارا با دمشق و تهران تحت تأثیر عواملی چون حمایت‌های ایران و سوریه از "پ ک ک" و تلاش برای ایجاد بی‌ثباتی در ترکیه به تیرگی گرائید. اما منافع مشترک این سه کشور در مهار ناسیونالیزم کردی و جلوگیری از شکل‌گیری یک دولت مستقل کرد در طول مرزهایشان در سال‌های اخیر سبب بهبود روابط شده است (لارابی، ۱۳۸۶: ۷۴).

امروزه شرایط کنونی منطقه خاورمیانه با گذشته متفاوت است؛ سوریه برخلاف گذشته از دشمنی دیرینه خود با ترکیه دست برداشته است و تحت فشارهای آمریکا، عبدالله اوجالان، رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه را از خاک خود بیرون راند و همین اقدام سبب شد تا نیروهای ترکیه وی را دستگیر و زندانی کنند. صدام حسین که با ترکیه سر دشمنی داشت از میان رفته است؛ هر چند اوضاع جدید عراق و ناآرامی‌های آن و خودمختاری کردهای این کشور ترکیه را تهدید می‌کند. آنکارا از آن بیم دارد که کردهای عراق احساسات جدایی‌خواهانه کردهای ترکیه را تحریک کنند. ایران نیز طی دهه گذشته سیاستی پراگماتیک نسبت به همسایگان در پیش گرفته است. بدین ترتیب خیال ترکیه از بابت این سه همسایه آسوده‌تر شده است. همین تحولات سبب شده است تا میزان وابستگی ترکیه به آمریکا کاهش یابد و ترکیه مناسبات خود را با سوریه، ایران و عراق بیش از پیش بهبود بخشد. در مقابل، مناسبات ترکیه با اسرائیل در مقایسه با دهه ۱۹۹۰ رو به کاهش گذاشته است. در واقع ضرورت‌های استراتژیک که در گذشته ترکیه را به داشتن روابط نزدیک با اسرائیل ناگزیر می‌ساخت، امروزه دیگر به شدت قبلی وجود ندارد (رضازاده، ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۲۴). کشور ترکیه با ایران در مسائل امنیتی مانند مسئله کردها و

گروه‌های تروریستی "پ ک ک" و پژاک و نیز مسائل عراق و تهدیدات شمال عراق که متوجه دو کشور است و نیز در بحث جهان اسلام و مسئله فلسطین و هم‌چنین تبادلات تجاری-اقتصادی همگرایی بالایی دارند (رضازاده، ۱۳۸۸: ۱۳۷-۱۲۷ و www.Kurdish-info.net و فردی‌پور و قرشی، ۱۳۸۶: ۴-۶ و سبحانی‌پور، ۱۳۸۳: ۸۹). روابط ترکیه با سوریه نیز در سال‌های گذشته به میزان چشمگیری افزایش یافته است. هرچند در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ دو کشور روابطی پرتنش را تجربه کردند، اما تهدید ترکیه به حمله به سوریه در صورت ادامه یافتن حمایت‌های دمشق از "پ ک ک"، در اکتبر ۱۹۹۸ بحران را در روابط دو کشور به اوج رساند. سوریه در برابر برتری نظامی ترکیه از مواضع خود عقب نشست و دست به اخراج عبدالله اوچالان، رهبر "پ ک ک"، و بستن اردوگاه‌های تمرینی این گروه زد. این تغییر موضع دمشق، راه را برای بهبود تدریجی روابط هموار کرد. سفر ژانویه ۲۰۰۵ بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، به ترکیه اولین سفر در نوع خود از زمان استقلال سوریه در ۱۹۴۶ به شمار می‌رفت، دیگر جایی برای شک و تردید در آشتی در روابط دو کشور باقی نگذاشت (لارابی، ۱۳۸۶: ۷۵).

از زمانی که حزب عدالت و توسعه رهبری را به دست گرفته، تغییراتی در نوع نگاه ترکیه نسبت به اسرائیل بوجود آمده و آنکارا سیاستی فعال‌تر را به نفع فلسطینی‌ها درپیش گرفته است. اردوغان با «تروریزم دولتی»^۱ خواندن سیاست‌های اسرائیل در کرانه باختری و نوار غزه، آشکارا به انتقاد از سیاست‌های اسرائیل در این مناطق پرداخته و در عین حال، دست به ایجاد پیوندهایی نزدیک‌تر با رهبران فلسطینی زده است. چند هفته پس از برگزاری انتخابات در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در ژانویه ۲۰۰۶، آنکارا را میزبان یک هیأت عالی رتبه حماس به رهبری خالد مشعل بود. اردوغان امید داشت با دست زدن به چنین اقدامی، توانایی ترکیه را برای ایفای نقش فعال‌تر در منطقه افزایش دهد. رجب طیب اردوغان در جریان انتخابات پارلمان ترکیه در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ که به پیروزی قاطع حزب عدالت و توسعه برای سومین بار گشت چنین گفت: این پیروزی را به مسلمانان و مردم سرزمین‌های اشغالی هدیه می‌دهم. پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه، در واقع پیروزی قدس اشغالی، کرانه باختری، نابلس و غزه است (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۰: ۱۶). علاوه بر خاورمیانه، ترکیه اهداف اقتصادی را در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز دنبال کرد که

1 . State terrorism

عبارت بودند از دسترسی به بازارهای وسیع مصرف، استفاده از نیروی کار ارزان و مواد خام، اجرای نقش واسطه برای سرمایه‌گذاری غرب - طبیعتاً روابط ترکیه با همه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز یکسان نیست (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۱). به عنوان مثال تاجیکستان که مردمش ترک‌زبان نیستند و از جهت اقتصادی نیز امکاناتی محدود دارد از نظر ترکیه اهمیت کمتری دارد تا ازبکستان که پرجمعیت‌ترین کشور منطقه است، ثبات سیاسی بیشتر و امکانات اقتصادی گسترده‌تری دارد. ترکیه از نظر حضور در منطقه آسیای مرکزی و سرمایه‌گذاری در این منطقه جایگاه اول را دارد. حدود ۵۰۰ شرکت در این کشورها ثبت شده‌اند و ۷۰۳ طرح به ارزش ۶ میلیارد دلاری را در دست اجرا دارند. بیش از هفت هزار شهروند ترک در ترکمنستان مشغول فعالیت هستند و بدین ترتیب، ترک‌ها بیشترین اتباع خارجی این کشور را تشکیل می‌دهند (زیب، ۱۳۷۳: ۷۶).

تمامی مباحثی که در بالا مطرح شد کشور ترکیه را ناگزیر از گرایش به سمت جهان اسلام و تقویت نگاه به شرق نموده است و این کشور حاضر نیست کارت‌های پر مزیت کشورهای جهان اسلام را با هیچ کارت دیگری معامله کند.

نتیجه‌گیری

تا زمانی که کشور ترکیه منافع خود را در گرو کشورهای غربی می‌دید، این کشور هویت خود را به گونه‌ای تعریف می‌نمود که در نزدیکی با جهان غرب باشد. از این رو، تأسیس نظام سیاسی لائسیزم توسط آتاتورک در ترکیه و دین‌زدایی از دولت و جامعه ترکیه و اشاعه آرمان پیوستن به اتحادیه اروپا همگی نشانگر تلاش ترک‌ها در تعریف خودی غربی یا نزدیک به جهان غرب است. کارگزاران ترک سعی داشتند تا با ارائه هویتی سازگار با هویت غربی زمینه را برای پویایی خود در پیگیری اهداف و منافع ملی فراهم نمایند.

با تغییراتی که در عرصه ژئوپلیتیکی مناطق بازیگری کشور ترکیه رخ داد و بدنبال رشد اسلام‌گرایی و اوج‌گیری فعالیت‌های اسلام‌گرایانه احزاب و گروه‌هایی با نام‌های اسلامی و نیز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، موجی از اسلام‌گرایی منطقه را دربر گرفت و سبب تغییر اقتضاعات منطقه‌ای شد. با فروپاشی شوروی و ظهور جمهوری‌های جدید با ملت‌های مسلمان این رویه بیشتر تقویت شد. کشور ترکیه به دنبال احساس نیاز خود به کشورهای اسلامی با

مسئله هویت‌های اسلامی در منطقه مواجه شد. کشور ترکیه که در پی رشد اقتصادی به انرژی و بازار مصرف بیشتری نیاز پیدا کرده بود و خواهان استفاده از فرصت‌های پس از فروپاشی شوروی بود و نیز تهدیدهای امنیتی از جمله مسئله اکراد که صرفاً در همکاری با کشورهای اسلامی قابل حل بود ترکیه را با این واقعیت مواجه ساخت که فضای جدید ژئوپلیتیکی منطقه به نحوی تغییر کرده که رفتارهای غرب‌گرایانه گذشته ترکیه را به چالش می‌کشد و ترکیه را در پیگیری منافع ملی خود با مشکلات بزرگی مواجه ساخته است.

کارگزاران سیاست خارجی ترکیه در پی رخدادهای جدید منطقه‌ای به این نتیجه رسیدند که برای دستیابی بهتر به منافع ملی خود و رهایی از چالش‌ها می‌بایستی خود جدیدی را در سازگاری بیشتر با کشورهای اسلامی تعریف نماید. ترک‌ها در طول دو دهه شروع به بازتعریف خود در جهت هماهنگی بیشتر با جبهه کشورهای اسلامی نمودند. در سال ۱۹۹۵ اسلام‌گرایان به رهبری نجم‌الدین اربکان به پیروزی در انتخابات پارلمانی رسیدند و در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ اسلام‌گرایان با اکثریت قاطع آرا در انتخابات پارلمانی رسیدند. در این دوره دولت ترکیه با نزدیکی به کشورهای اسلامی و ارائه مواضع اسلام‌گرایانه و برخی رفتارهای خاص دیپلماتیک درصدد تعریف خودی اسلامی تر بوده است. ترک‌ها با تعریف اسلامی‌هویت خود در پی هموارسازی زمینه‌های مناسب برای پیگیری منافع ملی خود بوده‌اند و این امر به توجه خاص آن‌ها به منافع ملی اشاره دارد. این امر مشخص می‌سازد که کارگزاران ترکیه تا چه حدودی در بحث اسلام‌گرایی بر منافع ملی خود تأکید می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت با توجه به آنچه در این مقاله گفته شد، منافع ملی مهم‌ترین نقش و جایگاه را در اسلام‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه ایفا می‌کند.

منابع

۱. اخباری، محمد (۱۳۸۳)، جغرافیای کشورهای همجوار، ترکیه، انتشارات سازمان جغرافیای وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح؛
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، رویکرد اروپایی به نظام امنیت بین‌المللی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال چهارم، شماره ۱۲؛
۳. افضل‌ی، رسول، مصطفی رشیدی و افشین متقی، (۱۳۹۱)، تحلیل ساختار ژئوپلیتیکی حاکم بر روابط دو جانبه ایران و جمهوری آذربایجان با رویکرد جغرافیای برساخت‌گرایی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰، صص ۱۹-۱؛
۴. حافظ‌نیا، محمدرضا، محمود شمس دولت‌آبادی و محمدحسین افشردی (۱۳۸۶)، علایق ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش رو، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم؛
۵. حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، ترکیه گذرگاه مهم انرژی، همشهری دیپلماتیک. شماره هفتاد؛
۶. درونسورو، گیلز (۱۳۸۶)، اتحادیه اروپا و ترکیه بین ژئوپولیتیک و مهندسی اجتماعی، انتشارات تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ش ۲۱۸؛
۷. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول؛
۸. رشیدی، مصطفی (۱۳۸۹)، جغرافیای برساخت‌گرایی، هارمونی جغرافیای سیاسی و رویکرد برساخت‌گرایی، مجله علمی - دانشجویی رویکرد سیاست و فضا، سال اول، شماره اول، زمستان؛
۹. رشیدی، مصطفی (۱۳۹۰)، کردارهای جغرافیایی و تبیین سیاست خارجی به‌عنوان کرداری ژئوپلیتیکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران؛
۱۰. رضازاده، سخاوت (۱۳۸۸)، استراتژی خاورمیانه‌ای ترکیه و محدودیت‌ها و مطلوبیت‌های ایران، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه، پژوهش نوزدهم، مرکز تحقیقات استراتژیک؛
۱۱. روزنامه اطلاعات (۱۳۹۰)، پیروزی قاطع حزب عدالت و توسعه در انتخابات ترکیه، ۲۴ خرداد ۱۳۹۰؛

۱۲. زیب، رضا (۱۳۷۳)، مبانی رفتاری سیاست خارجی ترکیه، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه؛
۱۳. سلیمی، حسین (۱۳۸۶)، نگرشی سازه‌انگارانه به هویت ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، ۳۱، سال هشتم، شماره ۳، صص ۵۳-۳۱؛
۱۴. سوچا، ادوارد (۱۳۸۷)، نظریه انتقادی اجتماعی تاریخ، جغرافیا، مدرنیته، مجموعه مقالات مطالعات فرهنگی، ویراستار سایمون دیورینگ، ترجمه نیما ملک‌محمدی و شهریار وقفی پور، انتشارات تلخون؛
۱۵. شکوهی، حسین (۱۳۸۲)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، انتشارات گیتاشناسی؛
۱۶. فردی پور، سعید و سید یوسف قرشی (۱۳۸۶)، نقش و جایگاه ترکیه در دیپلماسی دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران، معاونت پژوهشی مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۸۶۲۱ (۱۳۸۶/۰۸/۰۲)؛
۱۷. فلاح، رحمت‌الله (۱۳۸۶)، بررسی منابع چالش در روابط ترکیه با آمریکا، فصلنامه مطالعات استراتژیک جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۳۲؛
۱۸. قدیری، نیلوفر (۱۳۸۳)، ترکیه در اروپا، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۲۸، آبان؛
۱۹. لارابی، اف. استفن (۱۳۸۶)، نگاه دوباره ترکیه به خاورمیانه، ترجمه محمد سلطانی‌نژاد، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار؛
۲۰. متقی، ابراهیم و حجت کاظمی (۱۳۸۶)، برساخت‌گرایی، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، صص ۲۳۷-۲۰۹؛
۲۱. مجتهدزاده، بیروز، محمدرضا حافظ‌نیا (۱۳۸۸)، برابرسازی معنایی واژگان جغرافیایی سیاسی، فصلنامه ژئوپلیتیک؛
۲۲. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، گفتگوی تمدن‌ها از منظر برساخت‌گرایی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳؛
۲۳. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، انتشارات سمت؛
۲۴. نصری، قدیر (۱۳۸۴)، آینده سیاست خارجی ترکیه، (معرفی کتاب)، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۳؛

۲۵. نظریه‌نگاری، جعفر (۱۳۸۴)، پیامدهای جهانی و منطقه‌ای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۰؛

۲۶. یزدانی، عنایت‌الله، مجتبی تویسرکانی و سوسن مرادی (۱۳۸۶)، تبیین ژئوپلیتیکی رقابت قدرت، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم؛

۲۷. یکتا، حسین (۱۳۷۵)، پیمان نظامی، استراتژیک ترکیه و اسرائیل، یک گزارش تحلیلی، مجله سیاست دفاعی، سال چهارم، شماره ۲؛

28. Boli, John & John Meyer and George Thomas, (1989), *Ontology and Rationalization in the Western Cultural Account*, in George Thomas et al, (eds): *International Structure: Constituting State, Society, and the Individual*, London;

29. Kalin Yasin, (2005), *The Implications of the EU Admittance of Turkey on Turkish-EU Relations and Turkish-U.S. Relations*. Strategy Research Project, U.S.Army War College, Carlisle Barracks, Carlisle. USAWC STRATEGY RESEARCH PROJECT;

30. Lenore, Martin and Dimitris Keridis, (2004), *The Future of Turkish Foreign Policy*, London: The MIT Press;

31. Pishgahifard, Zahra & mostafa rashidi & mohamad shabanifard & Mohamadreza Abdollahpour, (2010), *Geopolitical Constructs Understanding and Survey in Central Asia Region and in confronting Islamic Republic of Iran Challenges with Constructivism Geography Approach*, Journal of Social Sciences 6 (3), New York;

32. Wendt, a, 1992, "Anarchy is what States Make of IT, the social Construction of Power Politics", *International Organization*, vol, 46, No, 2, pp 391- 425.

Archive